

# رجوع عبدالله بن باز از یک فتوا

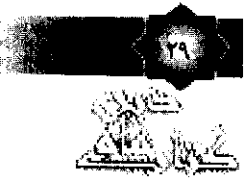
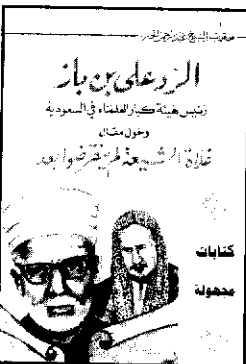
○ حامد اسلامی

اعمالی که در بزرگداشت این بزرگواران انجام می‌دهند به اتهام غلو در حق اهل بیت با انواع شرک پاسخ می‌دهد.  
این امر و اعتراض‌های مختلف دیگر منجر می‌شود که سه هفته بعد، در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۲۴ ه. ق، بن باز فتوای دیگری صادر کند و از فتوای پیشین خود بازگردد. متن فتوا چنین است:

«... قبل از این اعضای هیئت آموزشی سعودی در یمن از حکم نماز در پشت سر زیدیه پرسیدند و من در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۳ ه. پاسخ دادم که نماز در پشت سر آنان را صحیح نمی‌دانم زیرا آنچه بر آنان غالب است غلو در حق اهل بیت است با استغاثه به آنان و خواندن ایشان و نذر کردن برای آنان و مانند آن است. این فتوایی بود که صادر کردم که مبتنی بر این بود که از طرق بسیار شنیده بودم زیدیه در مورد اهل بیت با انواع شرک همچون خواندن آن و استغاثه به آنان و مانند آن غلو می‌کنند. سپس در این روزها، یعنی شعبان سال ۱۳۹۶ ه. شنیدم که بسیاری از اهل علم در یمن، این فتوی را غریب شمرده‌اند و گروهی از آنان فارغ‌التحصیلان دانشگاه اسلامی مدینه که به علم و دینشان اطمینان دارم با من تماس گرفتند و این فتوا را غریب قلمداد کردند و گفتند که آن چه بر علمای زیدیه غالب است عدم غلو در حق اهل بیت است و این غلو فقط از سوی برخی از عوام و بعضی از زیدیه که علم و بصیرتی ندارند تا حقیقت توحید و حقیقت شرک را بدانند صورت می‌گیرد و گفتند که می‌دانند علمای زیدیه غلو در حق اهل بیت و شرک را انکار می‌کنند و جایز نیست که وقوع شرک از جانب برخی از آنان یا برخی از عوام مجوز تهمت غالب بودن شرک بر آنان شود.»  
«در نتیجه بر من واجب است که در این فتوا تجدیدنظر کنم، زیرا آنچه واجب است عمل بر حق است و حق گمشده مؤمن است که هرگاه آن را بیاید می‌گیرد. بنابراین می‌گویم که از فتوای سابق الذکر نسبت به عمومیت و اطلاعاتی که داشت بازگشته‌ام، زیرا هدف عمل بر حق و دعوت به سوی آن است، و به خدا پناه می‌برم که مسلمانی را تکفیر کنم یا از نماز خواندن پشت سر یک مسلمان بدون مجوز شرعی باز دارم. آنچه واجب است این است که با هر انسانی براساس گناه خودش معامله شود و بر او به واسطه اقوال و افعالی که از او سر زده است حکم شود. بنابراین هر امام جماعتی که معلوم باشد که در مورد اهل بیت یا دیگران غلو می‌کند خواه از زیدیه

در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۳ ه. ق در پاسخ به پرسش چند تن از مبلغان سعودی در یمن در مورد جواز نماز با اذان زیدیان که حی علی خیرالعمل در آن است و نیز جواز نماز خواندن با آنان، فتوای زیر از سوی بن باز رئیس هیئت علمای بزرگ سعودی صادر شد: «چیزی که مانع نماز و اذان مذکور باشد سراغ ندارم. زیادتی حی علی خیرالعمل در اذان بدعت است اما اذان را باطل نمی‌کند. آنچه بر اهل سنت واجب است این است که اگر بتوانند در هر وقت نماز اذان شرعی بگویند تا سنت را اظهار و بدعت را انکار کرده باشند. اما نماز در پشت سر زیدیه را صحیح نمی‌دانم، زیرا آن چه برایشان غالب است غلو در حق اهل بیت با انواع شرک است، علاوه بر اینکه برخی از صحابه را لعن و بعضی بدعتها را اظهار می‌کنند و همینگونه‌اند بقیه اصناف شیعه که امروزه موجودند، همچون امامیه و غیر آنان...».

در پی آن رئیس‌جمهور اسبق یمن، القاضی عبدالرحمن الاریانی، طی نامه‌ای از شیخ عبدالرحمن الخیر، یکی از علمای علوی سوریه، خواست تا ردیه‌ای بر این فتوا بنویسد. شیخ عبدالرحمن الخیر نیز پاسخی در چندین صفحه نوشت و با ارجاع دادن به منابع خود اهل سنت به اثبات این پرداخت که «حی علی خیرالعمل» نه تنها زیادتی در نماز و بدعت نیست بلکه در اصل اذان بوده و در زمان پیامبر اکرم (ص) و حتی زمان ابوبکر و اوایل حکومت عمر نیز در اذان گفته می‌شده است و عمر با این توجیه که این جمله مردم را از جهاد بازخواهد داشت دستور داده آن را از اذان حذف کنند. نیز ثابت کرد که تئویب در اذان صبح (یعنی گفتن الصلاة خیر من النوم = نماز از خوابیدن بهتر است) نه در زمان پیامبر اکرم (ص) در اذان بوده است و نه حتی در زمان ابوبکر، و عمر بوده است که آن را پسندیده و دستور داده به اذان بیفزایند. پس از آن با نقل حدیثی که نزد تمامی اهل سنت مشهور و مسلم است که «صلوا وراء کل بر و فاجر» (پشت سر هر نیکوکار و بدکاری نماز بخوانید) به فتوای بن باز در مورد عدم جواز نماز در پشت سر زیدیه و شیعه اعتراض می‌کند و می‌گوید که این فتوا، علاوه بر آن چه گذشت، با عمل تمامی علمای مسلمان از فرق مختلف که بیش از نیم قرن پیش در اعتراض به وعده بالفور در یک کنفرانس در قدس گرد آمدند و نماز جمعه را به امامت مجتهد شیعه محمدحسین کاشف الغطاء خواندند مغایرت دارد. و در پایان با ذکر عقاید شیعیان نسبت به اهل بیت (ع) و



امثال شما را بسیار گرداند و لطف و رحمت و تأیید خود را - که شما بحمدالله اهلیت آن را دارید - به شما کامل سازد.»  
تفصیل این واقعه، در این کتاب آمده است:  
الرّد علی بن باز رئیس هیئت کبارالعلماء فی السعودیه، الشیخ عبدالرحمن الخیر، مکتبه الشرق الجدید جاجه و خیر (دمشق، ص. ب ۲۷۴)، دمشق، ۱۴۰۶ هـ / ۱۹۸۶ م).

از آنجا که پاسخ شیخ عبدالرحمن الخیر به گونه‌ای مختصر و جامع حقانیت عقیده شیعه و بطلان نظر بن باز را به اثبات رسانده است ترجمه کامل آن را ذیلاً از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم.

#### ترجمه پاسخ عبدالرحمن خیر به بن باز

به نام خدای متعال. حمد از آن اوست، استعانت از او می‌جوییم، و توفیق هدایت از جانب اوست. درود و سلام بر پیامبر برگزیده او، و آل پاک آن حضرت، و بر اصحاب نیکش، و بر مؤمنان پیرو آنان تا روز قیامت. و بعد، یکی از فضلاء بزرگ از رؤسای عرب و مسلمان نامه‌ای به تاریخ ۱۹۷۶/۱۰/۸ م. به من نوشت و درخواست کرد که بر فتوایی که رئیس جامعه اسلامی مدینه منوره، علی مشرفها و آله افضل الصلاة و السلام، صادر کرده و به تازگی به دست آن بزرگ رسیده است، تعلیقه‌ای بنویسم. برای پاسخ به درخواست آن عالم فاضل، از خدای تعالی طلب خیر کردم و درخواست نمودم که با اجتناب از تفرقه زینبار و با تألیف میان قلب‌های جماعت‌های مؤمنان، مرا به یاری اسلام و مسلمین که مورد رضای اوست الهام فرماید، و در این راه از آیه ۱۲۵ سوره نحل «یا حکمت و موعظه نیکو [مردمان را] به راه پروردگارت بخوان» و حدیث رسول امین صلی‌الله علیه و آله و سلم که: «من به بشارت دادن برانگیخته شده‌ام نه گریزاندم» رهنمود گرفتم.

#### رد و تعلیق بر فتوا

اولاً، هرکس نسبت به سنت و سیره و تاریخ اسلام بصیرت داشته باشد به خوبی می‌داند که در تمامی آنها و نزد فریقین (سنی و شیعه) روایاتی وارد شده است که این مطالب را می‌رساند:

الف. گفتن «حیّ علی خیرالعمل» در زمان پیامبر (ص) جزئی از اذان بوده و در زمان خلیفه اول استمرار و در زمان خلیفه دوم تداوم داشته است تا اینکه رأی او بر این قرار گرفت تا آن را منع کند مبادا مسلمانان با استدلال به اینکه نماز بهترین عمل است از جهاد باز ایستند. بعضی از دلایل این امر را نقل می‌کنم:

نویسنده «الشفاء» آورده است که ابن ابی شیبیه با اسناد خویش از نافع روایت کرده که ابن عمر گاهی اوقات در اذان خویش «حیّ علی خیرالعمل» را می‌افزود. و در همان کتاب از علی بن الحسین زین‌العابدین نقل کرده است که اذان می‌گفت و چون به حیّ علی الفلاح می‌رسید می‌گفت «حیّ علی خیرالعمل» و می‌فرمود که «این همان اذان نخستین است».

و در همان کتاب از محمدبن علی، از پدرش علی بن الحسین علیهم السلام روایت کرده است که وقتی آن حضرت حیّ علی الفلاح می‌گفت، پس از آن حیّ علی خیرالعمل بر زبان جاری می‌ساخت. و در همانجا محمدبن علی



باشد یا دیگران و خواه در یمن باشد یا غیرین نباید پشت سر او نماز خواند و هرکس به چنین چیزی معروف نیست چه از زیدیه باشد چه از دیگر مسلمانان می‌توان پشت سر او نماز خواند. اصل، سالم بودن مسلمان از حکم شدن به شرک اوست تا اینکه امری روشن و شاهدانی عادل دلالت کنند بر اینکه کارهای شرک‌آمیز انجام می‌دهد یا به جواز آن کارها معتقد است... هر مفتی، عالم و طالب علمی گاهی دچار خطا یا اجمال می‌شود و پس از روشن شدن حق به حق رجوع می‌کند، و در این کار شرافت و فضیلت است و همین کار طریقه اهل علم در زمان پیامبر صلی‌الله علیه و سلم تا به امروز بوده و اهل علم این عالمان را بدین سبب ستوده و بر این شیوه پسندیده سپاس گزارده‌اند.»

در بی آن برخی از عالمان، و از جمله شهید صدر (ره)، از مساعی شیخ عبدالرحمن الخیر قدردانی می‌کنند. در بخشی از نامه شهید صدر خطاب به شیخ آمده است: «... بحث زیبایی که در توضیح مذهب اهل بیت و حال شیعیان آنان نوشته بودید مایه شگفتی من شد. خدای تعالی بهترین پاداشی را که به عالمان عامل می‌دهد به شما ارزانی دارد در میان شیعیان



می‌گوید که این جمله در اذان وجود داشت و عمر بن الخطاب از بیم آنکه مردم از جهاد بازایستند و به نماز خواندن بپردازند فرمان داد که آن را در اذان نگویند.

سعدالدین تفتازانی در حاشیه‌اش بر شرح عضد، از عمر نقل کرده است که می‌گفت: «سه چیز در زمان رسول خدا (ص) بود و من آنها را حرام می‌کنم و از آنها باز می‌دارم: منعه حج، منعه نکاح، و حی علی خیر العمل.» (به نقل از کتاب البحر الزخار الجامع لمذاهب علماء الامصار تألیف امام احمد بن یحیی بن المرتضی، و تعلیقات آن؛ جزء اول، ص ۱۹۲، چاپ اول، ۱۳۶۶ هـ / ۱۹۴۷ م. مطبعة السعادة، مصر، با اشراف گروهی از علمای الازهر).

امام علاءالدین مغلطای بن فلیح الحنفی - امام حنفیان - در تاب التلویح فی شرح الجامع الصحیح می‌گوید: «مَا حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ: این حزم گفته است که به طریق صحیح از عبدالله بن عمر والامانة بن سهل بن حنیف نقل شده که آن دو در اذان خویش حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ می‌گفته‌اند.» آنگاه مغلطای می‌افزاید که: «و علی بن الحسین نیز چنین می‌کرد.»

سعدالدین تفتازانی در حاشیه شرح عضدالدین بر المختصر فی الاصول گفته است که «حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ» در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشت و عمر بن الخطاب بود که از بیم بازایستادن مردم از جهاد و پرداختن بر نماز فرمان داد که آن را در اذان نگویند. در کتاب «السنام» آمده است که: «صحیح این است که اذان با حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ تشریح شد.»

و بسیاری از علمای مالکی و حنفی و شافعی گفته‌اند که «حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ» از الفاظ اذان است. زرکشی در البحر المحیط می‌گوید: «در این مورد، همچون دیگر موارد، اختلاف وجود دارد و ابن عمر، که عمید اهل مدینه بود، به افراد اذان و گفتن «حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ» در آن اعتقاد داشت.» (به نقل از کتاب الروض النضیر، تألیف حسین بن احمد السیاطی، جزء اول، ص ۵۴۲، چاپ دوم، ۱۳۸۸ هـ / ۱۹۶۸ م. مکتبة المؤید، الطائف، المملكة العربية السعودية).

ب. اینکه تئویب، فقط در اذان صبح، با گفتن «الصَّلوة خیر من النوم» نه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود و نه در زمان خلیفه اول، بلکه چیزی است که خلیفه دوم با نظری که پسندید آن را ایجاد کرد، همچنان که جماعت در نماز تراویح (نافله شب در ماه رمضان) را ایجاد نمود و درباره آن گفت که چه خوب بدعتی است، و امور مشهور دیگری که پدیدآورد و تا امروز اکثریت مسلمانان بدان‌ها عمل می‌کنند.

برای اثبات مدعی خود، در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می‌کنیم: مالک می‌گوید برایش نقل کرده‌اند که مؤذن نزد عمر آمد تا او را به فرا رسیدن وقت نماز صبح آگاه سازد، و چون او را خفته یافت گفت: الصلاة خیر من النوم (نماز از خواب بهتر است). عمر فرمان داد که این جمله را در اذان صبح قرار دهد. از عمر بن حفص روایت شده است که جدش سعد قرظ نخستین کسی بود که پس از درگذشت ابوبکر و در زمان خلافت عمر الصلاة خیر من النوم گفت. این مطلب در اصول الاحکام آمده و همانند آن

در الشفاء نیز نقل شده است. (این سعد قرظ همان مؤذن خلیفه دوم است).

از مجاهد نقل شده است که گفت: با ابن عمر به مسجدی داخل شدم که در آن اذان داده بودند و می‌خواستیم نماز بخوانیم. مؤذن تئویب کرد. عبدالله بن عمر از مسجد خارج شد و گفت: ما را از نزد این بدعتگذار بیرون بر، و در آنجا نماز نخواند.

در الشفاء از طاووس نقل شده است که در پاسخ آنکه پرسید چه هنگام الصلاة خیر من النوم گفته شد، بدان که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفته نشد.

(به نقل از همان کتاب البحر الزخار، جزء اول، صص ۱۹۲-۱۹۳).

ج. و از اینجا برای عالم منصف که بر وحدت اسلامی غیرت می‌ورزد روشن می‌شود که حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ گفتن شیعه امامیه و زیدیه در اذان مسلماناً بدعت نیست بلکه همان اذان شرعی است.

د. هریک از دو گروه عمده مسلمانان (شیعه و سنی) یکی از این دو قول را می‌گیرد و برای اثبات آن احادیثی مستند و موثق می‌آورد، که البته در این بیان مختصر و با این شتاب فرصت مناقشه در آنها نیست، و مصلحت جامع مسلمانان در این زمان بر عقلای آنان حکم می‌کند که در اینچنین اختلافات فرعی تسامح داشته باشند.

خود تقریر مفتی به اینکه چیزی که مانع از اذان مشتمل بر «حَى عَلِی خَیْرَ الْعَمَلِ» باشد وجود ندارد نیز تقریر محکمی است، و شایسته‌تر این بود که در فتوای موردنظر به همین مقدار اکتفا می‌کرد. اینکه در فتوای خود می‌گوید: «بر اهل سنت واجب است در هر زمان که امکان دارد اذان شرعی بگویند» اشعار به این دارد که اکتفا به اذانی که بدعت می‌پندارد در هنگام عدم امکان اذانی که آن را اذان شرعی می‌خواند جایز بدانند، و این رأی او همان عمل به تقیه است که متعصبان اهل سنت آن را در مورد برادران مسلمان شیعه خود امری ناپسند و ناروا تلقی می‌کنند.

ثانیاً اینکه می‌گوید قائل به صحت نماز در پشت سر زیدیه و امامیه نیست، با حدیثی که اهل سنت روایت می‌کنند و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها بدان عمل نموده‌اند که می‌گوید «پشت سر هر نیکوکار و بدکاری نماز بخوانید» متعارض است، و در این رأی با آنچه اهل مذاهب اربعه بر آنند مخالفت می‌ورزد. و طبق نظر امامیه و زیدیه عمل می‌کند که عدالت را در امام جماعت شرط می‌دانند و به صحیح نبودن نماز در پشت سر شخص غیر موثق قائلند.

این رأی همچنین معارض است با آنچه در کنگره علمای مسلمان از تمامی مذاهب و کشورهای که بیش از نیم قرن پیش در قدس شریف برای بررسی و عده بالفور تشکیل شده بود اتفاق افتاد، زیرا در آن روز نماز جمعه را در مسجد الاقصای مبارک با اقتدا به مجتهد شیعه امامی «محمد حسین کاشف الغطاء» برگزار کردند و به دلیل این همدلی آشکار میان شیعه و سنی سیاستمداران انگلیسی که در آن هنگام قیمومت فلسطین و اردن و عراق را بر عهده داشتند به هراس افتادند و «اسعاف الناشیپی» را به تألیف و نشر کتابی واداشتند که آن را «اسلام صحیح» نامید و در آن اسلام را برای خودش و هم‌رأیانش احتکار کرد و فریاد زشت و تفرقه‌آور خود را آشکار



علما و عامه مسلمانان بدون هیچ فرقی میان سنی و شیعه از آغاز اسلام تاکنون هر سال برای ادای مناسک حج و عمره، و زیارت در حرمین شریفین گرد می‌آیند، مگر اینکه «رییس جامعه اسلامی در مدینه منوره» از اجماع تمامی مسلمانان خارج شود و در این زمان معتقد به عمل به منع از وارد شدن مشرکان به مسجدالحرام که در سوره براءت آمده است نباشد. یا اینکه معتقد باشد لازم است دوباره بر همان منعی که نسبت به ادای مناسک حج و زیارت مسلمانان - همانان که او و امثال او ایشان را به سبب زیارت قبور مشرک می‌خوانند - داشتند باز گردند که در آن هنگام تمامی مسلمانان در یک سو قرار داشتند و وهابیان در سوی دیگر و آتش فتنه را برمی‌انگیزتند...

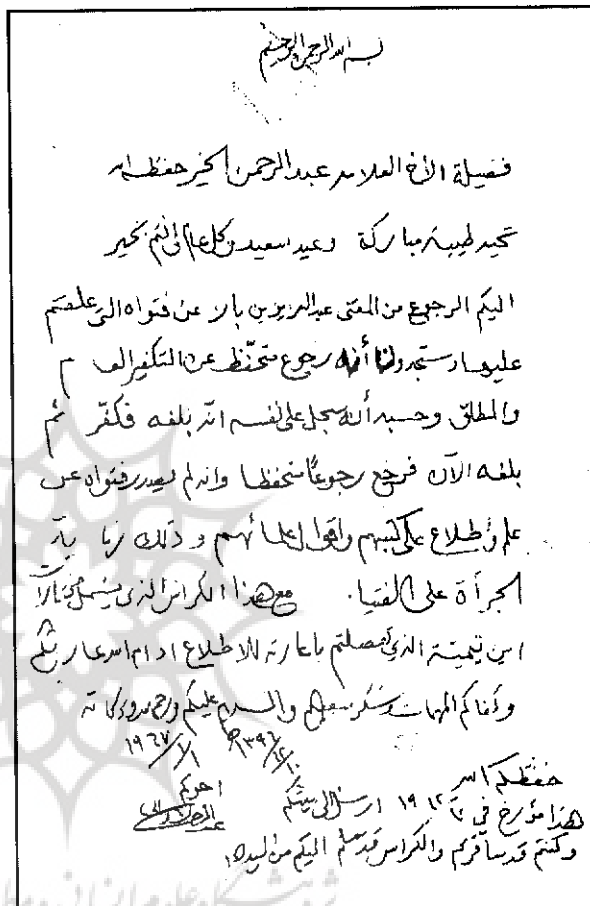
آیا رییس جامعه اسلامی «می‌خواهد با این اتهامات ناجوانمردانه برخی از زبیدی و امامیه را برانگیزد تا به گونه‌ای شدیدتر با دست کم همانند آن به مقابله برخیزند؟ این مفتی با این کار آتش فتنه را دوباره میان برادران مسلمان برانگیزخته تا دشمنان اسلام و عرب، یعنی صهیونیست‌ها و استعمارگران، از آن بهره برند.

آیا شایسته‌تر این نبود که این موقعیت را فرصت مغتنمی بداند و به یگانگی سخن و یگانه ساختن صفوف پیروان مذاهب مختلف اسلامی فراخواند؟ کاری که ما بیش از نیم قرن در سرزمین عربی سوری خود می‌کنیم و «جماعت تقریب» در قاهره از ربع قرن پیش در تمامی عالم اسلامی می‌کند؟ و این کار فضیلت پیشی جستن به سوی کارهای خیر را نصیب خود سازد؟

رایعاً در مورد اینکه معتقد است نماز خواندن پشت سر زبیدی و امامیه صحیح نیست بدان جهت که به برخی از صحابه ناسزا می‌گویند از او می‌پرسیم آیا به همین ترتیب معتقد به صحیح نبودن نماز مسلمانان بسیاری نیز هست که در سرزمین‌های خود پیش از این پشت سر والیان و امیرانی نماز می‌خواندند که امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام و دو فرزندش، که ریحانه رسول خدا صلی‌الله و علیه و آله و سلم، و برخی از صحابه رضی‌الله عنهم را بر فراز منابر در خطبه‌های نماز جمعه در طول دهها سال از دوران اموی و چندین سال از حکومت بعضی از عباسیان لعن می‌کردند؟ در حالی که می‌دانیم در میان ناسزاگویان و آمران به ناسزاگویی کسانی بودند که خود از صحابه و خلفاء به شمار می‌رفتند. آیا درست است که این مفتی همان کاری را که برخی از صحابه و امیران و والیان امر مسلمین و پیروانشان پیش از این ناروا نمی‌شمردند. از برخی از زبیدی و امامیه در این زمان ناروا بشمارد؟!

البته اینها هم مبتنی بر این فرض است که اتهام ناسزا گفتن برخی از امامیه و زبیدی به بعضی از صحابه، صحیح باشد.

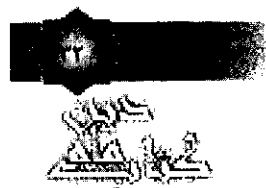
همچنین از مفتی می‌پرسیم آیا معتقد است ناسزا گفتن به برخی از صحابه - که خود ناسزا می‌گفتند و به ناسزا گفتن فرمان می‌دادند و خون آنکس را که به دعوت آنان به ناسزاگویی پاسخ مثبت نمی‌داد میباح می‌شمردند - معصیتی بزرگ‌تر از آن کاری است که خود آن صحابه و تابعان‌شان و پیروانشان تا به امروز می‌کردند و در جنگ‌های داخلی خود خون یکدیگر را می‌ریختند؟!



ساخت و همه دیگر گروه‌های مسلمان را مخاطب ساخت که: «هیچ یک از شما مسلمان نیستید و فقط من مسلمانم و بس!» در آن هنگام دوستداران جدایی سنگ کتاب او را به سینه زدند و از سوی دیگر گروهی از علمای شیعه که نسبت به وحدت اسلامی غیرت می‌ورزیدند به پاسخ و رد فریاد او همت گماشتند. اما دشمنان عرب و مسلمانان در طرح خلاف انگیزی و بیدارسازی فتنه خفته که برای او ترسیم کرده بودند موفق شدند... و الفتنة اشد من القتل...

ثالثاً اتهامی که به زبیدی و دیگر اصناف شیعه موجود در این زمان زده است که با انواع شرک در مورد اهل بیت غلو می‌کنند اتهام نادرستی است که صریح مطالب موجود در کتب اصلی زبیدی و امامیه، چه متقدم و چه جدید، آن را رد می‌کند. آنان در مورد ائمه اهل بیت علیهم‌السلام جز آنچه خداوند در آیات ۲۶ تا ۲۸ سوره انبیاء فرموده است معتقد نیستند: «بندگان گرامی داشته شده. با سخن گفتن از او پیشی نمی‌گیرند، و به فرمان او عمل می‌کنند. خداوند آنچه را پیش رو و پشت سر آنان است می‌داند و جز برای آنکه خداوند او را پسندیده داشته باشد شفاعت نمی‌کند و از خشیت او بیمناکند.»

این اتهام انواع شرک را اجماع مسلمانان در تمامی زمان‌ها رد می‌کند.





هر کس توبه نکند آنان از ستمکارانند. حجرات، ۱۱».

و چقدر نیازمند آنیم که این سخن پیامبرمان صلی الله علیه و آله وسلم را که بخاری روایت کرده است به یاد آوریم و در آن تدبیر کنیم که: «زینهار از ظن و گمان، چرا که گمان دروغ‌ترین سخن است. به تجسس نپردازید، و با یکدیگر بغض نوزید، و با هم برادر باشید...»

و این سخن آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث ابوداود که ترمذی آن را روایت کرده و گفته است حسن و صحیح است که: «شخصی از آن حضرت پرسید: یا رسول الله غیبت چیست؟ فرمود: اینکه برادرت را با آنچه دوست ندارد یاد کنی. گفت: اگر آنچه می‌گویم در برادرم باشد چه؟ فرمود: اگر آنچه می‌گویی در او باشد غیبت او کرده‌ای و اگر آنچه می‌گویی در او نباشد بدو بهتان زده‌ای.»

در پایان کراراً همراه این برادر مفتی به درگاه خدای تعالی ایتهاال می‌ورزم که ما و او و تمامی مسلمانان را به راه راست هدایت فرماید تا به حق «بهترین امتی باشیم که برای مردمان بیرون آورده شده است»، میان علمای مسلمان فراخوانندگان به سوی بصیرت و هدایت و یاری‌رسانی برای جمع کلمه و عزت مؤمنان را پس از اینکه تفرق و دوری جستن آنها را خوار ساخته زیاد سازد، و به تمامی ما فهم عمیق در دین و ثبات اعتقادی و قولی و عملی بر آن عنایت فرماید. که او بهترین درخواست شونده، و بزرگوارترین امید بسته شده و قوی‌ترین یاری خواسته شده است.

درود و رحمت و برکات خداوند بر آنکه مصلحت امت خویش را ترجیح دهد و عزت آن را در آخرت و دنیا برگزیند.

عبدالرحمن الخیر دمشق ۲۷ شوال ۱۳۹۶

و آیا در زمان حاضر این ناسزا گفتن خیالی را بزرگتر از آن کاری می‌داند که والیان اموی و عباسی سابقاً کردند و بسیاری از تابعان و فقها را در زندان و با فریب کشتند؟!

و آیا این ناسزا گفتن خیالی را فجع‌تر از آن می‌داند که امرا و والیان دولت‌های اسلامی که تا به امروز یکی پس از دیگری زمام حکومت را در دست داشته‌اند خون‌ها و اموال مسلمان مخالف خود در اجتهادات مذهبی را حلال می‌شمردند؟!

و آیا این ناسزا گفتن خیالی را فجع‌تر از آن می‌داند که در این فتوای خود دهها میلیون برادر مسلمان خود، یعنی زبیده و امامیه، را به غلو در مورد اهل بیت با انواع شرک و بدعت متهم ساخته است بدین دلیل که با او اختلاف نظر دارند در حالی که از این اتهامات ناجوانمردانه مبرأیند؟ تاریخ آن حکومت‌های اسلامی، دور و نزدیک آن، مملو از غمنامه‌هایی است که سبب بیشتر آنها مثال این فتواهاست خداوند مسلمانان را از تجدید آن فتنه‌های خونین محفوظ دارد.

خامساً یقین داریم که مصلحت مسلمانان - تمامی مسلمانان بدون استثناء - اقتضا می‌کند که یکدیگر را در روایات و اجتهادات مورد اختلافمان معذور داریم و پشت همدیگر را با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که مورد اتفاقمان است محکم سازیم و تنها با همین می‌توانیم در یک صف - که گویی بنیانی از سرب است - در برابر هجوم‌های اتحادی به مجتمع‌های خویش و در برابر انگیزش‌های قومی که قوای مان را تحلیل می‌برد بایستیم. این هر دو نوع هجوم خیانتها و قباوتهایی به وجود می‌آورد که موجب تمکین کردن نسبت به حملات استعماری و در پی آن به علت درگیری‌های داخلی برای حفظ درآمدهای زودگذر و مناصب فریبنده باعث سیطره بر سرزمین‌های مان، بهره‌کشی از اقتصادمان، ضعیف ساختن دولت‌هایمان از قیام، از یاد بردن هر اتحاد و وحدت صحیح می‌شود. سادساً چقدر همگی ما مسلمانان نیازمندیم که این آیات را به یاد آوریم و در آنها تدبّر کنیم:

«و همگی به ریسمان خداوند چنگ زبید و متفرق نشوید، و نعمت خداوند بر خویش را به یاد آورید آنگاه که دشمن بودید و او میان دل‌های شما سازگاری داد و به سبب نعمت او برادر شدید. شما بر لبه گودالی از آتش بودید و خداوند شما را از آن رهایی داد. خداوند اینچنین نشانه‌های خویش را برای شما تبیین می‌کند باشد که هدایت یابید. آل عمران، ۱۰۳»

و ای کسانی که ایمان آوردید وقتی در راه خدا سفر کردید [و به نبرد پرداختید، پیش از آن] به بررسی بپردازید، و به آنکه نزد شما اظهار اسلام کرد نگویید مؤمن نیستی تا متاع زندگی دنیا را بجویید، چرا که نزد خداوند غنیمت‌های فراوان است. پیش از این چنین بود، که خداوند بر شما منت گذارد، از این پس بررسی کنید، همانا خداوند بدانچه انجام می‌دهید آگاه است. نساء ۹۴»

و «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینان بهتر باشند، و نباید زنانی [دیگر را] ریشخند کنند؛ شاید آنها از اینان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید؟ و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید. چه بد است نام زشت پس از ایمان، و